

پارلمانی مسئولیت قبول کرد ، باید از هر جهت امورات وزارتخانه خود را مرتب نماید و قطع رشوه يك راهی دارد و آن دادن مواجب است به اجزاء به اندازه كفاف و نظم در امورات ؛ دیگر رشوه گرفته نمی شود .

وزیر عدلیه گفت: صحیح است حتی الامکان کوشش دارم و بعد از ترجمه و مدون شدن قوانین بودجه ای که برای وزارت عدلیه نوشته می شود ، در آن مواجب هر يك از اجزاء را به اندازه كفاف می نویسیم ، پس از تصویب شدن در مجلس دیگر گمان نمی کنم کسی رشوه بتواند بگیرد .

سعدالدوله گفت: بعد از تشکیل دادن کمیسیون حکام بعضی از عارضین این جا هستند که نمی توانیم بگذریم . از قبیل عارضین حاج آقا محسن و چوبدارها این ها را جناب رئیس رجوع می کنند به وزارت عدلیه طوری بفرمائید که دیگر کسی از متظلمین اینجا نیاید . این مجلس که عدالت خانه نیست و از جمله چیزهایی که خیلی اهمیت دارد مسأله خراسان است و استرداد اسرا و این مسأله مسأله شرعی و عرفی ماست در این خصوص ترتیباتی که می دهید راپورتش را البته به مجلس خواهید داد و جناب وزیر داخله جواب سئوالات مرا ندادند .

وزیر داخله گفت : اما اینکه فرمودید در مجلس حاضر نمی شوم ، شما و سایرین همه می دانید که از طلیمه صبح تا پنج ساعت از شب گذشته گرفتار نوشتن فرامین و نوشتجات و جواب تلکرافات و مکتوبات حکام هستم و هر وقت از طرف مجلس محترم فرمایشی بوده که خودم باید حاضر شوم ، حاضر شده ام و الاجناب دبیر الملك که معاون وزارت داخله هستند ، حاضر شده است و در باب حکام معزول که من اسناد دفاعیه حاضر نکرده ام ، در خصوص حضرت والا ظل السلطان همه بودند چه گفت و گوها شد و چند مجلس در دربار منعقد گردید ، در تلکرافخانه با حضور حجج اسلامیه از صبح تا پنج ساعت از شب گذشته چقدر مذاکرات شد و آنکهی آن وقت عدالت خانه منظمی نداشتیم که رجوع به عدلیه بکنیم تا رسیدگی شود . سعدالدوله [گفت] بنده نمی خواهم دفاع از حکام بکنم ، بنده عرض می کنم که وزیر داخله و سایر وزراء چرا در عزل حکام ایستادگی نمی کنند که تحقیقات به عمل آمده معلوم شود تقصیر دارند یا نه ، بعد از این مذاکره در باب آصف الدوله و اسراء قوچان به میان آمد و قرار شد کمیسیونی در عدلیه تشکیل دهند که رسیدگی به این کار کنند پس از این در باب نظم شهر و اداره نظمیّه گفت و گو شد قدری هم بعضی تلکرافات را خواندند که راجع به رشت و شیراز و غیره بود .

روز چهارشنبه ۱۹ صفر ۱۳۲۵ - امروز مجلس تعطیل است . این ایام سید جمال الدین

واعظ و ملك المتكلمين در بالای منبر از مستبدین علناً و آشکار بد می گویند .

مکتوبی از نجف از طرف جناب حجة الاسلام آقای آخوند ملا [محمد] کاظم خراسانی که به عنوان

جناب آقا شیخ ابراهیم زنجانی و کیل مجلس شورای ملی مرقوم فرموده اند ، از این قرار است :

وقایع

ماه شوال ۱۳۲۹

روز یکشنبه ششم شوال المکرم [۱۳۲۹] - امروز (۱) مسموع شد شب گذشته وکیل الدوله را دو سه هزار چوب زده اند حکم شده بود گوش او را ببرند بعد واسطه پیدا شده بود گویا تقصیر او این بوده است که در خانه خود انجمن کرده است و بعضی مذاکرات نموده است و نیز شنیدیم دو روز قبل آقاسیدهاشم تبریزی وارد شده است و میرزا حسن آقا هم همین امروز و فردا وارد (۲) می شود .

امروز عصر سواد تلکراف علماء نجف را که به سلطان عثمانی مخا بره کرده بودند ، دست آورده و ذیلاً درج نمودیم .

تلکراف حجج اسلام به اعلیحضرت

سلطان عثمانی (۳)

حضور شرف دباء (۴) حضرت شهریاری خلدالله سلطانه (حاجی علی پاشا مابین [۵] همایون باشی)

(کتابه جلیله سنیه) معروض الداعین للدوله العلیه والراجین لعواطف الشاهانه السنیه بعداء فرائض الدعا والقیام بما یحق علینا من وظایف الثناء لحضرة ظل الله علی الانام و حامی حوزة الاسلام امیر المؤمنین بسط الله ظله علی مفارق

-
- ۱- همچنین است دراصل یعنی بی فاصله از ۲۶ رمضان به ۶ شوال آمده است و افتادگی هم ندارد .
 - ۲- دراصل کلمه وارد مکرر آمده ۳- اینجا در حاشیه ، مؤلف به خط ریزتر نوشته است ، « اعتماد و وثوقی به این تلکراف ندارم ، چه از مأخذ صحیح و اشخاص ثقة صورت را نگرفتم »
 - ۴- کذا ، دباء واضحاً (۵)

يك نفر آدم باتدبير دانای باامانت و دیانت را انتخاب کرده او را بر خود رئیس و حاکم قرار می‌دادند. او نیز برای اجرای این مقصد و حفظ حقوق رعیت و آبادی مملکت از طبقات مردم از هر طایفه و قبیله يك نفر آدم کاردان مجرب باتقوی و امینی انتخاب کرده مجلس شورا تشکیل می‌داد؛ تأمین بلاد و تنظیم امور عباد را بر روی اساس می‌نهاد. آخر الامر که پیر و ضعیف می‌شد، حکم احضار داده علی‌رئوس‌الاشهاد استعفا می‌داد و در گوشه‌ای به عبادت حق تعالی می‌پرداخت و ملت به اکثریت آراء دیگری را به ریاست منتخب [می‌کردند]. و تاریخ احوال هر مرز چهارم و خسرو پرویز شاهد بر این مقال است و سلطنت او با آن همه شکوه و حشمت و اقتدار، مشروطه بود. و در روز نوروز اول هر سال تمام نمایندگان ملت از اطراف ولایات حتی کدخدا و ضابط از هر ده دهکده در پای تخت حاضر می‌شدند و نیز هر که شکایت و تظلمی از کسی داشت، خواه از عمال دیوان یا از شخص سلطان، بی‌ترس و محابا در مجلس بزرگ حاضر شده در حضور قاضی قاضیان و وکلاء ملت عرضه می‌داشت فوراً احقاق حق می‌شد. بعد از چند روز که تمام نمایندگان ملت از ایالات و اطراف حاضر می‌شدند؛ قاضی القضاة بالای منبری رفته می‌گفت: ای وکلای ملت و رؤسا و نمایندگان نجیب ایران سلطنت سال گذشته شاهنشاه ایران و توران و گرجستان به پایان رسید، اگر از او راضی هستید اجازه دهید امساله را نیز به امر سلطنت قیام نماید و با شما به عدل و دادخواهی رفتار کند. آن گاه قاضی القضاة بعد از اجازه شمشیر بر کمر او بسته و تاج بر سرش می‌نهاد (هر که این مسائل را باور ندارد به تواریخ معتبره رجوع نماید، تا شبهه‌اش زایل شود) قطع نظر از تواریخ و مشروطگی سلطنت‌های قدیم اساس (۱) مذهب اسلام و شرع انور محمدی (ص) بر مشروطه مطلقه است. از ساعتی که حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله به امداد جماعت انصار به اعزاز تمام وارد مدینه منوره شد، و در خانه خالد بن یزید نزول اجلال فرمود، همان روز رؤسای قبایل مدینه و اشخاص هوشمند کاردان را طلبیده با مشورت آنها دست به کار زد با آنکه عقل کل بود و به امر حق تعالی کار می‌فرمود بر حسب ظاهر اکثریت آرا و مشورت با عقلا را در هیچ موقع ترك نفرمود؛ فقط محض این بود که خواست به یاد امت دهد که در هر کار بزرگ از نظم عالم و اصلاح امور بنی‌آدم مشاوره و اتحاد آرا و عقول لازم است که عقل واحد ما جز عقل پیغمبر و امام قاصر است از احاطه و غلبه بر عقول همه مردم و همین است که فرموده اند، یدالله مع الجماعة و ضرب المثل شده

۱ - تا اینجای مطلب در یادداشت‌های مؤلف بود سطور بعدی این اعلامیه از روزنامه

که يك دست صدا ندارد یعنی اتفاق باید کرد؛ باید دانست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با معاویه جنگ نکرد مگر برای کندن ریشه ظلم و استبداد که چنان حاکمی را سزاوار نمی دانست بر بلاد اسلام مسلط شود و حکم بر نفوس و اموال مسلمانان کند بلکه از حد خود تجاوز کرده علی علیه السلام را رعیت خود بداند و از آن حضرت برای خود بیعت بخواهد و حال آنکه يك حاکم شوم شام بیش نبود و بعد از عثمان به خیال سلطنت افتاد. عمرو بن عاص را هم که ریاست ودعوی داشت با خود همدست کرده به تدابیر او مردم را فریب داده اشتباه کاری ها کرد و کم کم دعوی خلیفگی نموده گفت: بعد از عثمان بن عفان امیرالمؤمنین منم و علی بن ابی طالب در عداد رعیت است باید بیاید و چون سایرین بامن بیعت کند. و ضمناً بخشش ها کرد و پول ها به مردم داده همه را با خود همراه کرد و شهرت دادند که علی علیه السلام از دین بیرون رفته؛ حال اگر تو مسلمان با غیرت دیندار هستی انصاف ده که علی علیه السلام به این اوضاع غریب چه کند آیا واجب است که مجاهده و پا داری کند؛ نگذارد چنین کسی چنان ادعا کند؟ یا بنشیند در خانه خود تا دینی که هنوز اساس تازه است و پی و بنیان او هنوز محکم نشده، تندباد حوادث نفسانیه معاویه بن سفیان از بنیان براندازد و خراب سازد. ای هوشمندان و ای دوستداران وطن، ای مسلمانان با غیرت بیدار شوید و آگاه باشید و گول بعضی حرف ها [را] نخورید؛ بدانید اساس مذهب اسلام بر مشروطه است. پیغمبر ما (ص) مجلس شوری داشت. آیات قرآن مجید شاهد است: «وامرهم شوری بینهم» یعنی کارهای امت محمد از روی شور و مشورت باید باشد و باز جای دیگری فرماید: «وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله» یعنی ای محمد تو که رئیس مجلس شورائی مشاوره کن با اصحاب خود در کارها چون رأی گرفتی پس توکل کن بر خدا و عمل کن بر آن، پس بدانید امیرالمؤمنین علیه السلام کندن ریشه ظلم و آسایش خلائق را در نظر داشت و حریت مطلقه و مساوات که حق در مرکز قرار گیرد؛ هر کس حق خود را ببرد. مال مسلمانان را غارت نکنند و خون رعیت نریزند. ای بی خبر مردم، بردارید تاریخ احوال علی علیه السلام را بخوانید و درک مطلب کنید و گول این مشت جماعتی که محض دنیا طلبی به ضد مجلس برخاسته اند (۱) و بعضی حرف ها می زنند، نخورید، که مثل عمرو بن عاص و معاویه کار را بر شما مردم مشتبه می کنند. والله و بالله به وجود اقدس محمد (ص) که این عرایض از غرض شخصی و مرض نفسانی مبراست. جز خیر ملت و حمایت امت چیزی منظور نیست باز بدانید که سیدالشهداء محض رفع ظلم شهید شد،

خواست بعد از خرابی‌ها و اشتباه‌کاری‌های معاویه و ظلم یزید مردم را بیدار کند. که ای مردم! بیدار شوید وزیر بار ظلم و بیداد یزید مروید لیاقت سلطنت و ریاست مسلمانان را ندارد. شما مردم چرا چنین ظالم جاهل شهوت پرست را بر خود رئیس قرار داده [اید]. مگر مرد نایاب است که یزید را بر خود سلطان کرده و امیرالمؤمنین بخوانید؟ به واسطه همین، واقعه کربلا واقع شد، کاغذ نوشتند و استغاثا در کوفه مهر کردند و ریختن خون پسر پیغمبر را مباح شمردند. چرا؟ زیرا که بر «امیرالمؤمنین» بیعت نکرده. او کیست؟ یزید بن معاویه. وای بر حال شما معاندین اسلام و مسلمین که در بالای منبرها مردم را به راه انداختن ادارات صنایع و کارخانجات و رفع حوائج از خوارج دعوت و تحریر می‌کنید بلکه مردم را برضد مجلس شورای اسلامی خوانده، معایب تراشی می‌کنید و این مخالفت با تمام امت مرحومه و ملت اسلام است. و مخالف در عداد مشرکین است! بلکه باید گفت مجلس شورای ملی اسلامی برای رفع ظلم و عداوت و نفاق و فقر و نکبت است. مجلس ملی سبب رفاه و آسایش عباد الله المسلمین است و تأمین بلاد و حدود و ثغور مسلمین است. مجلس ملی برای سربلندی و افتخار ایرانیان است. مجلس ملی برای ترویج قانون اسلام و شریعت مطهره محمدی است. مجلس ملی برای شکستن پشت دشمن اسلام است. مجلس ملی برای تقویت دولت و استحکام اساس سلطنت و تنظیم افواج قاهره و انباشتن خزانه بیت‌المال است و برای رفع هزاران عیب است و پیدا کردن هزاران خوبی‌ها. ای هموطنان گرامی و برادران اسلامی، از دل و جان بکوشید و شربت اتحاد بنوشید. چون و چرا و من و توئی را کنار بگذارید، همراهی کنید تا مجلس ملی قوت گیرد و مهماتش بر آورده شود. هر کس برضد این مجلس مقدس برخیزد بر دهنش زنید و او را مرتد و مردود [و] دشمن اسلام بشمارید و بدانید که می‌خواهد در میان اسلام و مسلمین فتنه برانگیزد و آبروی خود بریزد. این نصیحت مشفقانه و برادرانه این بنده به هموطنان عزیز. (شیخ علی عراقی) *

* وقایع مربوط به ۲۱ صفر ۱۳۲۵ تا سوم جمادی الاول ۱۳۲۶ در یادداشت‌های مؤلف نیست. نمی‌دانیم آیا حوادث این ایام را ثبت نکرده است یا کرده است و از بین رفته است.

وقایع

ماه جمادی الاولی ۱۳۲۶

روز پنجشنبه چهارم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۶ - در حالتی که خاق سرگرم کار و شغل خود بوده ، برخی تازه داکاین و حجرات را باز نموده و جمعی از خانه بیرون آمده در راه و نیمه راه به طرف مشاغل و ادارات خود می رفتند ، و با هم گفت و گو از نفی و تبعید مفسدین و اشارات از اطراف تخت سلطنت [می کردند] و تعجب از اینکه امیربها در را که بنا بود نفی کنند ، رفته است به سفارت خانه روس ؛ ناگاه يك همهمه و غوغائی ظاهر شد خلق از واهمه به هر طرف می دویدند و کسبه با سرعت و شتاب داکاین را می بستند ، زنان و اطفال صیحه می کشیدند و فریاد می کردند ، خلاصه هیاهو و اضطراب به درجه کمال رسید پس از تحقیق معلوم شد که علت بروز این تصورات حرکات وحشیانه فوج سیلاخور بوده که غفلة از خیابان الماسیه و درب اندرون شاهی در حالتی که دستها را تا بازو بالا زده و شلوارها را بالا کشیده [بودند] فریاد بگیر و ببند و بزن و بکش از آنها بلند بود ، چند تیر تفنگ نیز خالی کردند سوارهای قزاق و کشیک خانه که يك عده زیادی تفنگها در دست سواره به طرف مجلس مقدس شورای ملی به عجله و شتاب تمام می تاخندند يك عراه توپ هم با آنها بود ولی چیزی نگذشت که قزاقها با توپ از شهر خارج شدند و مردم همین قدر که دیدند قزاقها با توپ به سمت مجلس مقدس روانه شدند ، فوراً به یکدیگر اطلاع داده عموماً یکی از این دو تصور را در ذهن خود عبور می دادند : بعضی پنداشتند که مسأله «کودتا» خواهد شد ؛ کودتا عبارت است از تغییری که پادشاه در اصول مملکت و پلتیک آن می دهد مثل اینکه سلطنت مشروطه را مستبدانه کند یا جمهوری را مبدل به سلطنت شخصی و پادشاهی نماید ، چنانچه ناپلئون جمهوری را مبدل به سلطنت «کونسولات» کرد و بعد از آن مجدداً آن را نیز مبدل به امپراطوری نمود برخی دیگر گمان می کردند که حکایت «رولوسیون» است - رولوسیون عبارت است از انقلابی که از طرف ملت برضد دولت

واقع می‌شود و در هر دو حال معلوم است که کسبه و قراء در صدمه و اذیت افتاده‌جان و مال و ناموسشان دچار خطر می‌گردند. باری بعد از تحقیق معلوم گردید که شاه مدتی بود - یعنی از زمان انداختن نارنجک جلو (۱) کالسکه شاهی تاکنون از ارک خارج نشده بود و اینکه ملت تبعیدش نفر مفسد، یعنی امیر بهادر و امین‌الملک و مفاخر‌الملک و شابسال (۲) و علی بیگ و موقر السلطنه [را] استدعا نمودند و امراء در خانه عضد‌الملک متحصن شده تا دستخط تبعید را صادر نمودند، شاه کدر و ملول شده برای تفرج امروز را به طرف باغ شاه حرکت نمود و بدون خبر و بدون مقصد از ارک خارج شده ارشدالدوله که از بستگان امیر بهادر بود با شابسال و علی بیگ شمشیر در دست سواره و پیاده را امر به شورش می‌نمودند که مردم را ترسانیده و از اطراف کالسکه سلطنتی دور سازند، ولی عجب است اشخاصی را که ملت منتظر بودند نفی کنند، امروز در اطراف کالسکه پادشاهی آمر و ناهی و از مقرین سده سلطنت ببینند؛ باری شاه وارد باغ اسب دوانی شد عده [ای] از سواره و سرباز [را] هم که گویا سه هزار نفر بالغ باشند، دور خود جمع نموده، ملت نجیب هم به ملاحظه معقولیت حرکتی نکرده، چیز اینکه دو ساعتی کسبه دکان‌ها را بسته بعد مفتوح نمودند.

بعد از حرکت شاه به سمت باغ اسب دوانی جناب عضد‌الملک را احضار نموده و چنین تقریر نمودند که:

حضرات امراء و اعیان و قاجاریه که در منزل شما اجتماع و ازدحام کرده بودند، مطالبه و استدعای اخراج چند نفر را از دربار نموده و ما نیز استدعای آنان را پذیرفته و اشخاص مزبور را از دربار و حوالی خود طرد و تبعید نمودیم پس دیگر چیزی که موجب ازدحام و اجتماع باشد، باقی نمانده است. خوب است بر حسب وظیفه نوکری و اداء حقوق پادشاه خود به اتفاق شما به باغ شاه آمده و به حضور برسند تا شفاهاً نیز به آنها اظهار ملامت خود را نموده و به مراجع خود مطمئن و مستظهر سازیم.

جناب عضد‌الملک مراجعت کرده و به امراء و اعیان که در منزل ایشان حاضر شدند ابلاغ نموده خود نیز این رفتن به حضور را تحسین و تصویب نمودند در این خصوص آراء و عقاید حضرات مختلف شده برخی تصویب نمی‌کردند و در این امر خطری مشاهده می‌کردند بعضی دیگر خالی از خطر و ضرر شمرده تأکید در لزوم آن می‌نمودند عاقبت همگی به واسطه اکثریت آراء قبول نمودند.

روز یکشنبه هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۶ - طرف عصر هیأتی از اعیان و قاجاریه و امراء به باغ شاه برای رفتن به حضور آمده به ریاست جناب عضد‌الملک به حضور رفتند [سورت] اشخاصی که در آن روز به حضور رفتند از این قرار است:

عضد‌الملک - جلال‌الدوله - علاء‌الدوله - وزیر همایون - سردار منصور - معاون‌الدوله -

وکیل الدوله - آصف الدوله - سردار امجد - وزیر نظام - معین الدوله - امین الدوله - معتمد خاقان - و بعضی دیگر، پس از ورود شایسال خیلی بی احترامی به عضدالملک می کند . عضدالملکی که در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در نزد دولت و ملت محترم بود ، از يك نفر یهودی بی سلوکی ببینند؟ معلوم است که در نزد شاه بعضی مطالب را مذاکره کرده است که آن مذاکرات خارج از تاریخ ماست این قدر نتیجه داد که هنگام مراجعت هیأت مزبوره هنوز از باغ خارج نشده که حکم صادر می شود که سه نفر از آنها را که جلال الدوله پسر ظل السلطان و علاء الدوله و سردار منصور رئیس تلگرافخانه [باشند (۱)] گرفتار می نمایند فوراً حضرات را دستگیر نموده محبوس می کنند .

شب دوشنبه هشتم جمادی الاولی ۱۳۲۶ - حشمت الدوله از طرف شاه به مجلس می آید و پیغام می آورد که برای حفظ نظم و امنیت بعضی از مفسدین را گرفتار کرده و بعضی را هم دستگیر می نمائیم اسباب خیال و کلا و ملت نکرد در ساعت پنج از شب گذشته نیز حشمت الدوله خدمت آقای طباطبائی رسید و از طرف شاه این پیغام را آورد و خواهش نمود از انجمن ها و ملت جلوگیری فرمائید که اقدامی نکنند. آقای طباطبائی فرمود : به شاه بگوئید این حرکات جاهلانه صحیح نیست بدون تفسیر و گناه متعرض مردم شدن عاقبتی وخیم دارد و نیز پس از پیغامات و نصایح فرمود امروز ملت بیدار شده خیر و شر خود را دانسته گوش به حرف ماها نمی کنند با سی کرور نفوس طرف شدن صحیح نیست بر فرض اضمحلال ملت و برباد دادن رعیت دیگر شما بر کی شاه می باشد؟ در ساعت هشت از شب نیز حشمت الدوله رفت منزل آقای بهبهانی در آنجا هم همین مطالب مذاکره شد. نظمی و نظم شهر را واگذار به پالکینک رئیس قزاقخانه نمودند هر کس را که با اسلحه و تفنگ دیده ، اسلحه او را مأخوذ می دارند .

حکومت شهر طهران را از وزیر اکرم گرفته دادند به مؤید الدوله. بر قیمت نان و گوشت افزوده گردید نان يك من چهار عباسی بود يك قران شد گوشت چهار کی چهار عباسی بود ، يك قران کردند . معتمد دیوان که رئیس نظمی بود ، لقب سالار معتمد را استدعا [کرد] و گرفت . تلگرافخانه را از سردار منصور ، که از طرف سپهدار بود ، گرفته دادند به مخبر الدوله، پستخانه را نیز گرفته دادند به امین الملک ، سوار در اطراف شاه زیاد جمع شده در شهر نیز پراکنده شدند، از طرف مردم هنوز صدائی بلند نشده است. امروز که دوشنبه هشتم جمادی الاولی می باشد، اعلانی از طرف شاه منتشر و به دیوارها چسبانیده شد که مردم را قدری بیدار نموده و به خیال افتاده اند، در بازار هم جار کشیدند هر کس دکاکین خود را ببندد ، اموال او را غارت خواهند نمود .

صورت اعلان از این قرار است که در نمره ۴۶ سال دوم یومیة جبل المتین درج شده

است و نمره ۱۳ تمدن هم آن ورقه را درج نموده ، در نمره ۱۳ از سال دوم هرکس خواهد رجوع نماید ، صورت اعلان از این قرار است :

راه نجات و امیدواری ملت

ملت قدیم قویم ایران که فرزندان حقیقی و روحانی هستند البته خوشوقت نخواهند بود که دولت شش هزار ساله ایشان پایمال هوی و هوس مشتی خائن خود غرض خودخواه، که بکلی از شرف ملیت دور و از حیث انسانیت مهجورند، گردد . البته راضی نخواهند بود که بدبختانه دستخوش خیالات فاسده دزدان آدمی کش شوند . یکی به طمع وزارت و دیگری به خیال ریاست، بعضی به علت جلب فایده برخی به واسطه کسب تسلط و اقدام به امور نامشروع ساده لوحان بی چاره را به عنوان مختلفه هر ساعتی به زبانی و هر روزی به بیانی فریفته، آنان را آلت کار و ایادی اعتبار خود قرار دهند.

به عموم فرزندان خود اعلام می نمایم که در این صورت چیزی نخواهد گذشت که از دولت و ملت جز اسمی باقی نخواهد ماند و بکلی رشته قومیت و قوای مملکت از هم گسیخته خواهد شد چنانچه به سالهای دراز و ائتلاف نفوس سناید مملکتی و عقلای ملت از عهده اصلاح آن نتوانند برآمد ؛ بدیهی است اشتباهی نخواهند داشت که شخص همایون ما در این مدت تاچه پایه در پیشرفت مشروطیت و آسایش ملت و صلاح حال مملکت اقدامات فرموده از هیچ اقدامی فروگذار نفرمودیم هر چه گفتند شنیدیم و هر چه خواستند کردیم و از هر حرکت زشت ناپسندی تجاهر و اغماض نمودیم چه عهدها بستند که نشکستند چه پیمانها که به پایان نبردند ، آیا دیگر از برای شما شبهه ای باقی مانده که معدودی مفسدین قصدی جز خراب کردن خانه شما ندارند ؟ آیا نمی دانید که نمی خواهیم (۱) رابطه و اتحاد حقیقی در میان دولت و ملت خود را دچار حوادث و انقلابات دیده و از اعمال مغرضین صرف نظر فرمائیم و این حرکات ناشایسته را باز یچه پنداشته و ملت خود را در تنگنای فشار ظلم مفسدین ایران خراب کن بگذاریم (۲) دولت ایران ، بطوری که دستخط فرموده و به عموم دول اعلام فرموده ایم ، مشروطه و در عداد دول « کنسی توسیون » محسوب است و کلاء و مجلس شورای ملی در کمال امنیت و قدرت به تکلیفی که از برای آنها مقرر است عمل خواهند کرد ما هم جداً در اجرای دستخط و مرحمت سابقه خودمان جاهد و ساعی ؛ تجار و کسبه و رعایا عموماً در امان و به کار خود مشغول، مفسدین بی هیچ قبول وساطتی

مخدول و منکوب ، هر کسی از حدود خود تجاوز نماید مورد تنبیه و سیاست سخت خواهد شد البته ملت نجیب ایران و فرزندان عزیز من این اقدام حیوة بخش شاهانه را شایسته هر گونه تشکر دانسته مقاصد حسنه ما را در نظر داشته و بهیچ وجه از همراهی فروگذار نخواهند نمود - (محمدعلی شاه قاجار) صحیح است.
 پس از اینکه این اعلان را به تمام بلدان و ولایات ایران مخابره کرده [اند] در طهران نشر داده و به در و دیوار چسبانیده.

امروز که سه شنبه نهم جمادی الاولی ۱۳۲۶ - می باشد چند اعلان طبع شد و در جواب این اعلان منتشر گردید که بعضی از آن اعلانات را در این مقام درج می نمایم از آن جمله اعلانی به طبع حروفی منتشر گردید و به دست مردم افتاد و این اعلان اول اعلانی بود که در جواب آن اعلان شاه طبع گردید به این عنوان :

زبان حال ایران به آدمیان دنیا

کیست نداند که ملت نجیب قدیم ایران بعد از آنکه قرن ها دچار استبداد بود در این وقت که می خواهد بنای سعادت و استقلال خود را بر بنیان خلل ناپذیر بگذارد به واسطه نامساعدتی شاه با اساس مشروطیت گرفتار چه مشکلات شده و به چه محذورات مبتلا گشته؟ با وجود این تا کمال نجابت و اصالت خود را بر اهل عالم ظاهر کند، همه را تحمل نموده و بردباری کرده و از مخالفت های پی در پی شاه با قانون اساسی و نقض عهدها که از شاه بروز کرده صرف نظر نموده و راه صلح و سلامت را پیموده است چنانکه در اواخر ماه ربیع الاول برای زیادتی روابط اتحاد حقیقی عموم انجمن های ملی يك زبان به واسطه عریضه مخصوص از مجلس مقدس درخواست کردند که چون بی اطمینانی ملت از شاه و بدگمانی شاه از ملت منافی مقاصد عالی دولت و ملت است به هر وسیله که ممکن باشد مجلس مقدس موجبات جلب قلب شاه را به جانب ملت فراهم بیاورد که اتفاق و اتحاد حقیقی مابین شاه و ملت بوده باشد. مجلس مقدس هم که این مسلك را از اول پیشه خود داشت این درخواست ملت را وسیله اقدامات کامله قرار داده در مقام انجام موجبات حصول این مقصود به وسیله های صحیح برآمده و دقیقه ای در این مقام فروگذار نکرد ملت هم با کمال امیدواری اقدامات مجلس مقدس را در راه صلح واقعی با شاه استقبال نمود گویندگان و نویسندگان هم هر چه توانستند در این راه و وصول به این مقصود گفتند و نوشتند .

فقط چیزی که سبب بود و اقدامات مجلس و ملت همه بی اثر می ماند خرابی دربار یعنی وجود چند نفر اشخاص فاسد مفرض بود که به غرض مندی خود و به القاء های